

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/19

موضوع: من حاضرم در اثبات كفر و ارتداد «احمد بصرى» مناظره كنم!!

برنامه حبل المتين

فهرست مطالب اين برنامه:

من حاضرم در اثبات كفر و ارتداد «احمد بصرى» مناظره كنم!

آيا حقيقتاً شيعه معتقد به ارتداد همه صحابه است؟

رساله ارشد دانشگاه قاهره و نسبت دروغ به «علامه شرف الدين»!!

«احسان الهى ظهير» وهابى تندرو؛ و نسبت دروغ به بزرگان شيعه!!

چرا پيامبر اكرم (صلى الله عليه و آله) با علم غيب خود، منافقان را رسوا نكرد؟

حساب و كتاب مردم در قيامت به دست خداست يا ملائكه و اهلبيت؟

تماس بينندگان برنامه

آيا هر درخواستى از غير خدا، عبادت او محسوب مى شود؟

آيا لقب «فاروق» و «صديق» مخصوص اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) است؟

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

خیلی خوشحال هستیم امشب هم به رسم یکشنبه شبها برنامه «حبل المتین» را تقدیم نگاههای مهربان همه شما بینندگان عزیز و ارجمند می‌کنیم. برنامه‌ای که این افتخار را داریم در محضر حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم.

ان شاء الله امشب هم بتوانیم از بیانات ایشان نهایت استفاده را ببریم. ابتدا سلامی عرض می‌کنیم و بعد از آن، ان شاء الله به بحثمان می‌پردازیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهیم همه ما را به راه و مسیری که رضایت خودش و رضایت اولیائش به ویژه حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) در آن هست، رهنمون کند.

بنده طبق روال همیشگی برای آنکه خودمان و برنامه و شبکه و دست اندرکاران و دین و دنیا و آخرت را بیمه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) کنیم، یادی از آن بزرگوار داشته باشیم و بعد در خدمت مجری بزرگوار هستیم.

باغبان در باغ بود و باغ را آتش زدند

باغ را در پیش چشم لاله‌ها آتش زدند

آتش افروزان گلچین در حصار شعله‌ها

غنچه را چیدند و گل را هم جدا آتش زدند

هست و بود مرتضی یک لاله بود آن هم بسوخت

یعنی آنکه هرچه بود از مرتضی آتش زدند

ألا لعنة الله على القوم الظالمين

ما در خدمت حضرتعالی هستیم.

مجری:

سلامت باشید، خدا حفظتان کند. همانطور که بینندگان عزیز هم مطلع هستند، ما در جلسه گذشته ابتدا بحثی را آغاز کردیم و نامه‌ای بود که خطاب به یمانی جدید مطرح شد. به تعبیر حضرتعالی هرچند وقت یکبار شخصی می‌آید که ادعاهای مختلفی را مطرح می‌کند.

«احمد بصری» که به تازگی بسیار زیاد در تمام ممالک اسلامی و شیعه نامش بر سر زبان‌ها هست، نامه‌ای نوشته بودند و از حضرتعالی درخواست کرده بودند که تأمل و مناظره‌ای نسبت به سخنان و تفکرات آنها بفرمایید.

حضرتعالی هم در انظار عموم و در همین جلسه، نامه‌ای به ایشان ارسال کردید. بیندگانی که در جلسه گذشته همراه ما بودند، خود شاهد این ماجرا بودند که حضرتعالی این نامه را پاسخ فرمودید.

حضرتعالی کاملاً فرمودید که ما آماده مناظره هستیم و به استقبال این مناظره می‌رویم. همگان دیدند که به این افراد یک هفته فرصت داده شد تا بخواهند پاسخگو باشند.

البته در شبکه‌های مجازی صحبت‌های بسیار زیادی می‌شود. حضرتعالی تأکید فرمودید هرکسی می‌آید خود را به نام مکتب نجف و به نام اینکه ما از جانب مکتب نجف و «احمد بصری» فرستاده شدیم.

در مقابل بعد از اینکه مناظره‌ای انجام شد که طبیعتاً به موفقیت نمی‌انجامد، مکتب نجف آن را انکار می‌کند. ما بسیار زیاد مشاهده کردیم که افراد زیادی ادعای مناظره داشتند، بدون اینکه بخواهند سند و مدرکی ارائه بدهند.

قطعاً حضرتعالی در جزئیات ماجرا هستید. آیا این افراد پاسخی دادند؟! آیا مکتب نجف اطلاع دادند یا اعلام کردند که ما آماده هستیم یا اینکه در طرف مقابل آن را رد کند؟!

من حاضر در اثبات کفر و ارتداد «احمد بصری» مناظره کنم!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

همانطور که بینندگان عزیز در جریان قرار گرفتند «احمد الحسن» که البته با توجه به آنچه در نسب خود آورده همگی دروغ است، در 20 رجب 1426 هجری قمری نامه‌ای با این تعبیر نوشتند:

"نشر أحمد إسماعیل رسالة مفتوحة إلی السید القائد الخامنئی مد ظله (یأمره) فیها بأن یؤمن به و

یسلمه حکم ایران، لأنه رسول المهدی!

و هذا نص رسالة ثانية له إلى السيد القائد الخامنئي و عدد من العلماء، عرف فيها بحركته: السلام على أهل لا إله إلا الله من أهل لا إله إلا الله، السلام على كل قلب وحد الله تعالى و أصبح بيتا من بيوته، السلام على الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه و لا تأخذهم في الله لومة لائم

أما بعد إلى السيد على الخامنئي السلام عليكم و رحمة الله و بركاته...

إلى السيد القزويني في إيران السلام عليكم و رحمة الله و بركاته..."

بنده حدود پنج شش سال قبل در «شبكة جهانی ولایت» ده دقیقه صحبت کردم و مواردی را که دلالت بر ارتداد و کفر ایشان می‌کند را مطرح کردم و از ایشان به مناظره و مباحله دعوت کردم.

در حال حاضر از آن قضیه بیش از شش سال است که می‌گذرد، اما هیچ خبری نشده است. بعد از این قضیه ما مشاهده کردیم که در سایت‌ها و فضای مجازی اعلام می‌کنند که چرا فلانی از مکتب نجف درخواست نمی‌کند تا این مناظره را تشکیل بدهند.

به تعبیر مقام معظم رهبری امروزه فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. وقتی مطلبی در فضای مجازی وارد می‌شود، شاید چند ده برابر رسانه‌ها در درون خانه‌ها وارد می‌شود.

با توجه به سروصدایی که این افراد در فضای مجازی ایجاد کرده بودند، بنده دومرتبه نامه‌ای رسمی به مکتب نجف نوشتم. مکتب نجف به مدیریت آقای «ناظم العقیلی» تنها نماینده رسمی یمانی است و تألیفات زیادی هم در دفاع از امام دروغینشان دارد.

ما رسماً نامه‌ای نوشتیم و همین جا جلوی چشم بینندگان عزیز برای مکتب نجف ایمیل زدیم و همگان دیدند و ایمیل هم دریافت شد.

ما این نامه را شب جمعه ارسال کردیم، اما تا الآن که شب دوشنبه است خبری از جواب نامه نشده است. ما هنوز هم منتظر هستیم، زیرا یک هفته به این افراد فرصت دادیم.

بعضی از نوچه‌هایی که مکتب نجف هم آنها را آدم حساب نمی‌کند، در گوشه و کنار فضای مجازی حرف‌هایی می‌زنند و مطالبی منتشر می‌کنند.

همین آقای که یک زمان در کنار «مسعود رجوی» عضو شورای مرکزی منافقین بود، در حال حاضر در کنار «احمد الحسن» قرار گرفته است. به قول معروف رفیق را باید از رفیقش شناخت!

ایشان ابتدا نامه نوشته بود، ما که کاری نداشتیم. ما پنج سال قبل نامه نوشتیم، اما ایشان به جواب ما هیچ عکس‌العملی نشان نداد. دومرتبه این افراد ادعا کردند که جواب شما در فضای مجازی بود، چرا به مکتب نجف ایمیل نمی‌زنید!؟

ما هم هفته گذشته نامه‌ای به مکتب نجف ارسال کردیم. مکتب نجف هماهنگی کنند، اگر ایشان هستند ما آمادگی مناظره با ایشان را داریم.

ایشان ابتدا از ما برای مناظره دعوت کرد، ما که نامه ننوشتیم. اگر طولانی هم بوده است، این جرم کیفری نیست که مشمول مرور زمان شود. این قضیه حقوقی است و شامل مشمول زمان نخواهد شد!!

اگر شما از کسی طلبکار هستید صد سال بعد هم خودتان یا وراثت مطالبه کنید، کسی نمی‌تواند ادعا کند که شامل مرور زمان شده است. این مسئله در ماده 105 و 106 قانون مجازات اسلامی مفصل آمده و الآن هم در جامعه قضایی ما معضلی شده است.

بنابراین ما منتظریم که اگر آقای «احمد الحسن» می‌تواند، از طریق ماهواره‌ای که خودشان دارند به نام «المنقذ» یا از طریق اسکایپ با ما مناظره کنند. ما آماده هستیم و موضوع را هم ما معین کردیم.

ایشان ما را به مناظره دعوت کردند و موضوع مناظره را ما معین کردیم. موضوع مناظره کفر و ارتداد «احمد بصری» با توجه به ادعای امامت و انکار ختم نبوت و ادعای نبوت و رسالت و اهانت به ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

تک تک این خطاها از هرکسی سر بزند، خواه شیعه باشد یا سنی باشد، خواه روحانی باشد یا غیر روحانی باشد، همگی دلالت بر ارتداد قائل می‌کند.

ما هم گفتیم در این زمینه با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) با ایشان بحث می‌کنیم و کاری هم به روایات اهل سنت نداریم، زیرا این مسئله درون گروهی است.

از این مسائل زیاد بوده است. البته حدود 40 سال قبل سال 1358 فردی به نام «جهیمان» در مکه آمد و مدعی مهدویت شد. او در مکه مکرمه درگیری و کشت و کشتار به راه انداخت. در نتیجه او را دستگیر کردند.

بسیار جالب بود که بزرگان وهابی بعد از این قضیه تمام روایات مهدویت را مطرح کردند، به طوری که «بن باز» رسماً در مجله «جامعة الإسلامیة» مقاله‌ای نوشت و اعلام کرد که مسئله مهدویت از متواترات و قطعیات است. عدو شود سبب خیر خدا خواهد!

ما هم به دنبال همین فرصت بودیم که این افراد بگویند مسئله مهدویت از قطعیات است و هرکسی منکر مهدویت شود کافر است. عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد!!

مسائل گذشت و در حال حاضر در عراق طبق آنچه آمار داریم، نزدیک به بیست و پنج نفر مدعی مهدویت یا بابیت یا ارتباط نزدیک با حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هستند. گفتنی است هیچکسی به این افراد محل نمی‌گذارد و اصلاً آنها را آدم حساب نمی‌کند.

ما مشاهده کردیم که بعضی از حوزویان ناآگاه و جاهل از روی هوای نفس به طرف «احمد الحسن» رفته‌اند.

چندی قبل یکی از بزرگواران مسئول پرونده «فتحیه» می‌گفت که ما به این نتیجه رسیدیم که اصلاً «فتحیه» معتقد به «احمد الحسن» نیست و تنها به جهت اینکه مشهور شود و شهرتی جمع کند او را تبلیغ می‌کند!! همانطور که نسبت به آقای «جوکار» به این نتیجه رسیدیم. ایشان از ما برای مناظره درخواست کرد، ما جواب دادیم، اما ایشان بازهم فرار کرد. این قضیه متعلق به چهار سال قبل است. ما پاسخ ایشان را دادیم، اما پاسخی دریافت نکردیم.

امیدواریم مکتب نجف بتوانند هماهنگی برای مناظره را فراهم کند. ما بارها گفتیم با توجه به اینکه بیست و پنج سال است در رسانه‌های بین المللی برنامه داشتیم، افرادی هستند که ما را قبول دارند. بنده گفتم به جای اینکه مدعیان «احمد الحسن» پیروزها و پیرمردها را در روستاها به طرف خودشان جذب کنند، به ما اثبات کنند که «احمد الحسن» فرستاده حضرت مهدی است.

اگر توانستند به ما ثابت کنند، ما نه تنها به فرستاده حضرت مهدی ایمان می‌آوریم بلکه خاک زیر پایش را طوطیای چشمان قرار می‌دهیم.

اگر برای ما ثابت شود فردی از طرف حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) آمده است، تمام زندگی‌مان را به او می‌بخشیم و زیر پایش را می‌بوسیم. این در صورتی است که واقعاً چنین باشد؛ نه اینکه هر کسی از راه رسید مدعی مهدویت شود.

بنده کاری با این شخص ندارم، اما تا به حال نزدیک شصت نفر مدعی مهدویت شدند به طوری که در نهایت رسوا شدند و الآن در جهنم در عذاب شدید الهی گرفتار هستند.

ما گفتیم که اگر واقعاً راست می‌گویید، بیایید با ما مناظره کنید. اگر واقعاً ما را جذب کنید، یقین بدانید و به شما قول می‌دهم سی هزار نفر از دوستان ما در داخل و خارج از ایران که ما را قبول دارند، با من می‌آیند و تابع «احمد الحسن» می‌شوند.

آیا بهتر از این می‌خواهید؟! برای مناظره بیایید. چرا فرار می‌کنید؟! چرا قایم موشک بازی درمی‌آورید؟! بیایید تا با همدیگر صحبت کنیم.

هرکسی می‌تواند ادعا کند که فرستاده حضرت مهدی است، اما هر ادعایی باید مقرون به دلیل و برهان و استدلال باشد که انسان واقعاً بتواند با استدلال عقلانی حرف خود را اثبات کند، نه استدلال‌های توهماتی و خیالاتی!

بنابراین ما آماده هستیم که ایشان تا شب جمعه برای مناظره آماده شوند. ما نه تنها یک جلسه بلکه حاضریم چندین جلسه با ایشان مناظره کنیم. اصلاً ما تمام برنامه‌هایمان را در طول هفته تعطیل می‌کنیم و به مناظره با ایشان می‌پردازیم.

یا ایشان ثابت می‌کند که فرستاده حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هست و ما هم قبول می‌کنیم و به مردم اعلام می‌کنیم که برای من ثابت شده ایشان فرستاده حضرت مهدی است؛ یا ایشان دروغ می‌گوید و مرتد و کافر است که عقیده ما هم بر این است و بر این یقین داریم.

همانطور که به وحدانیت خدا و رسالت نبی گرامی اسلام و امامت ائمه اطهار و حضرت مهدی عقیده داریم، به ارتداد ایشان با توجه به کتاب‌هایی که از ایشان صادر شده هم عقیده داریم و اینقدر برای ما روشن است.

بنده بارها گفتم که خطر این افراد از خطر منافقین حتی داعش برای جامعه اسلامی و بشریت بیشتر است. حتماً خدا می‌دانست که به الاغ شاخ نداد، زیرا هر روز شکم صد حیوان دیگر را پاره می‌کرد!!

این افراد تابع و پیرو پیدا نکردند. اگر تابع و پیرو پیدا کنند، قطعاً بدتر از داعش آدم می‌کشند و بدتر از داعش خانه‌های مردم را ویران می‌کنند و کودکان مردم را سر می‌برند و فرزندان شیعه و سنی و مسیحی را جلو عزیزانشان ذبح می‌کنند!

من در خدمت حضرت‌تعالی هستم.

مجری:

سلامت باشید، خیلی ممنون. حاج آقا به نکته‌ای اشاره کردید و آن اینکه آقایی که بسیار سروصدا کرده و در فضای مجازی هم خود را مطرح کرده است، فارغ از سابقه ننگینی که در کارنامه خودش دارد اصلاً به «احمد الحسن» عقیده ندارد.

سابقه‌ای که این مکتب به ما نشان داده است را هر انسان عاقل و حتی بینندگانی که طبیعتاً فضیلت شیعیان هستند و خود پیگیر و محقق هستند، خودشان می‌دانند و برنامه‌ها را دیدند.

افرادی که مناظره کردند و ادعایشان بیشتر از این بوده است، بعد از اینکه در مناظره شکست خوردند مکتب نجف اعلام کرد که این شخص به دروغ به نمایندگی از ما به اینجا آمده است.

آن‌ها به صراحت همه چیز را انکار کردند و گفتند اصلاً ما به او اجازه چنین مناظره‌ای ندادیم بلکه بالاتر از آن بیانه دادند که هیچ احدی حق مناظره با افراد مخالف با مذاهب و مکاتب ما را ندارد!!

وقتی چنین شرایطی به وجود می‌آید، تنها راه همین است که مکتب نجف پا پیش بگذارد. در مقابل ما اعلام کردیم که ما به استقبال شما و این مناظره می‌آییم.

ما این یک هفته را به شما وقت می‌دهیم، اما این را بدانیم که مکتب نجف به هیچ احد الناسی اجازه مناظره نداده است.

بنابراین انتظار نداشته باشید که هرکسی در فضای مجازی سر برآورد و خواست سلامی عرض کند و صحبتی به راه بیندازد و هوچی‌گری کند، خودش بداند مکتب خودش به او اجازه نداده است چه رسد به اینکه ما بخواهیم پا پیش بگذاریم و شروع به مناظره کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر أنصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه

عرض سلام مجدد دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

حال به سؤالات اصلی خودمان برسیم که ان شاءالله در ضمن آنها بسیار بهره مند خواهیم شد از بیانات شیوا و شیرین حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی.

حاج آقا یکی از شبهاتی که الآن هم زیاد مطرح می‌شود و در شبکه‌های وهابی هم هر از چند گاهی زیاد ملاحظه می‌شود که آنها شروع به راه انداختن جریانی می‌کنند و راجع به این مطلب صحبت می‌کنند، این است که چرا حقیقت امر را به مردم نمی‌گویید!؟

به مردم بگویید که اهل بیت با صحابه بسیار روابط دوستانه و صمیمانه‌ای داشتند و به مردم القاء می‌کنند کسی که بین صحابه و بین اهل بیت فاصله می‌اندازد و می‌خواهد یک دشمنی را القاء کند، همین علمای شیعه هستند!!

در تاریخ و در حقیقت به هیچ وجه چنین اختلافاتی نبوده بلکه بالعکس بسیار روابط دوستانه و صمیمانه بوده است.

آیا حقیقتاً شیعه معتقد به ارتداد همه صحابه است!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این رابطه که این آقایان مدعی هستند میان اهل بیت و صحابه رابطه‌ای حسنه بوده است، عرض کردیم که این آرزوی قلبی ماست. اگر واقعاً چنین چیزی ثابت شود یا کسی چنین مسئله‌ای را ثابت کند، ما حاضریم دست او را هم بوسه بزنیم.

ما باید قدری واقعیت‌های تاریخی را آنگونه که هست نگاه کنیم، نه اینکه چیزی در ذهنمان بی‌پروانیم به طوری که هرچه مطابق ذهنیات ما بود قبول کنیم و هرچه مخالف ذهنیات ما بود رد کنیم.

بنده گمان نمی‌کنم چنین کاری زیبنده یک انسان عاقل باشد. در صدر اسلام مسائلی به وقوع پیوسته است و کاملاً واضح و روشن است این مسائل چیزی نیست که شیعه آن را درآورده باشد.

علمای اهل سنت تلاش می‌کردند هرچه در رابطه با مذمت صحابه هست را سانسور و محو و نابود کنند.

بنده همین امشب مطلبی از قول «ابن حنبل» خواندم. «انس بن مالک» و شخص دیگری نزد او آمدند و گفتند که ما شراب خوردیم. «احمد بن حنبل» گفت: هر کتابی این مطلب را نوشته باشد، من آن را آتش می‌زنم یا با دستانم به آن قسمت چنگ می‌اندازم!!

مگر با آتش زدن و چنگ انداختن می‌شود مسیر را عوض کرد؟! شما صورت مسئله را پاک نکنید بلکه مسئله را حل کنید. اولاً ما بارها گفتیم همچنین بزرگان و مراجع و اساتید ما این مسئله را گفتند.

بنده در مناظره‌ای که با «پروفیسور غامدی» و «مفتی اعظم» داشتم، گفتم شیعه چنین نیست که همه صحابه را سب و لعن کند. ما صحابه را همانند دیگر افراد می‌دانیم و معصوم نمی‌دانیم.

ما آن دسته از صحابه که انسان‌های خوب و مورد وثوق بودند را قبول داریم و به روایات آنها عمل می‌کنیم. کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» را ملاحظه کنید. ایشان اسامی چهارصد و شصت و هشت نفر از صحابه را آورده و آنها را توثیق کرده است.

همچنین «مرحوم مامقانی» اسامی قریب به پانصد تن از صحابه را در کتاب «تنقیح المقال» آورده است.

ایشان در این کتاب چهارصد و سی و چهار نفر از صحابه را ثقه و ممدوح معرفی کرده‌اند و نوشته‌اند که ما به روایات آنها عمل می‌کنیم. چرا اینقدر دروغ می‌پردازید؟! چرا مطالب را وارونه به خلق نشان می‌دهید؟!!

رساله ارشد دانشگاه قاهره و نسبت دروغ به «علامه شرف الدین»!!

همین امروز مطلبی خواندن که برایم خیلی عجیب بود. وقتی مطالعه می‌کردم، به یک رساله ارشد در دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره برخورد کردم. استاد مشرف «پروفسور محمد نبیل غنایم» و «اسماعیل سالم عبدالعال» است.

لازم به ذکر است «استاد دکتر» در میان اعراب کسی است که دکتر دارد و او را با این لقب مورد خطاب قرار می‌دهند.

همکار ایشان در نوشتن این پایان نامه «دکتر محمد منسی» است، استاد داور «پروفسور محمد بلتاجی حسن» و «پروفسور ابراهیم محمد قنذیل» است.

مشاهده کنید چند تن از شخصیت‌های برجسته استاد داور و استاد راهنمای این شخص بودند و ایشان هم پایان نامه ارشد خود را نوشته است.

بنده همین امروز به این مطلب برخورد کردم. ایشان در صفحه 222 رساله خودش، یک سری روایاتی از «کلینی» آورده است. ایشان نوشته که در روایت آمده است:

«ازتدّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ»

همه مردم بعد از پیغمبر اکرم مرتد شدند، الا سه نفر: مقداد بن أسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی.

الإختصاص، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی،

محمود، ص 6، باب طائفة من أقوال الأئمة ع

همچنین در ادامه از قول «مرحوم مجلسی» می‌نویسد:

«ازتدّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ: الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 34،

ص 274، ح 1017

حال ما کاری به این روایات نداریم و اصلاً نمی‌خواهیم به این روایات جواب بدهیم و در مقام جواب نیستیم. ایشان در ادامه نوشته است:

«قال شيخهم عبد الحسين شرف الدين الموسوي: و قد تواترت الأخبار عن أئمتنا الأبرار بردّتهم، أي

الصحابة»

«مرحوم شرف الدين» یکی از طلایه داران تقریب بین المذاهب بوده و یکی از مدافعین اهل سنت و ایجاد تفاهم بین شیعه و سنی بوده است. کتاب «المراجعات» اثر ایشان با نهایت ادب نوشته شده است.

ایشان اصلاً کتاب «الفصول المهمة في تأليف الأمة» را نوشته در این رابطه که ما با اهل سنت دعوا و تکفیر نداریم. اگر بعضی از واژه‌هایی در کتاب‌های طرفین آمده است، مراد از تکفیر از اسلام نیست و معنای دیگری دارد.

ایشان روایاتی هم از کتب شیعه و هم از کتب اهل سنت آورده است و یکی از بهترین کتاب‌ها در تقریب است. بنده به دوستان توصیه می‌کنم کسانی که واقعاً می‌خواهند ببینند تقریب بین المذاهب به چه معناست، کتاب «فصول المهمة» را بخوانند.

مشاهده کنید ایشان از «مرحوم شرف الدين» چه عبارتی آورده است. باور بفرمایید وقتی این عبارت را دیدم، بدنم لرزید! ایشان می‌گوید:

«قال شيخهم عبد الحسين شرف الدين الموسوي: و قد تواترت الأخبار عن أئمتنا الأبرار بردّتهم، أي

الصحابة»

شیخ آنها عبد الحسین شرف الدین موسوی می‌گوید: روایات متواتری از ائمه ما داریم که همه صحابه مرتد شدند.

بنده با خود گفتم گاهی اوقات شخصی می‌خواهد دروغی به «سید نعمت الله جزائری» یا «مرحوم مجلسی» ببندد که قدری روحیه اخباری‌گری دارند و تندرو هستند، کسی باور می‌کند.

ولی اگر کسی ذره‌ای از روحیه علمای شیعه آگاهی داشته باشد، می‌داند که این حرف دروغ است!

بنده کتاب «الفصول المهمة» را مطالعه کردم و دیدم اصلاً نه تنها خود این شخص بلکه چند پروفیسوری که استاد راهنما و داور ایشان بودند، یک مرتبه هم نرفتند نگاه کنند تا ببینند ادعای ایشان درست است یا دروغ است.

جوانان اهل سنت و سلفی‌ها! بدانید که بزرگان شما حقایق را به شما نمی‌گویند و حقیقت را تحریف می‌کنند. ملاحظه کنید «مرحوم شرف الدین» در کتاب «الفصول المهمة» صفحه 200 به طور مفصل اسامی تعداد دویست و چهارده تن از صحابه‌ای که با علی بن ابی طالب رابطه حسنه داشتند را می‌آورد.

ایشان بعد از اینکه اسامی این دویست و چهارده نفر را آورده است، می‌نویسد:

«نعم هناک جماعة نافقوا فی صحبة رسول الله صلی الله علیه وآله»

بله، تعدادی از افراد بودند که در صحبت با پیغمبر اکرم راه نفاق را در پیش گرفتند.

«وظهر نفاقهم بما أحدثوه بعده من الحوادث العظيمة، وبما نصبوه لعلی ولسائر أهل البيت من العداوة والبعضاء»

کسانی که عداوت با علی بن ابی طالب و اهل بیت و بغض علی و بغض اهل بیت را داشتند.

«وقد تواترت الأخبار عن أئمتنا الأبرار بردتهم»

روایات متواتر از ائمه اطهار داریم که آنها مرتد هستند.

الفصول المهمة في تأليف الأمة؛ نویسنده: السيد شرف الدين، وفات : 1377، چاپ: الأولى، ناشر: قسم

الإعلام الخارجي لمؤسسة البعثة، ص 200، باب ياء

شما می گوید کسانی که با علی بن ابی طالب و اهل بیت (علیهم السلام) عداوت داشتند، مرتد نیستند؟! آیا این شخص منکر آیه شریفه:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

سوره شوری (42): آیه 23

نیست؟! اصلاً من تعجب کردم. بنده هرگاه استاد راهنمای یک رساله دکتری یا پایان نامه ارشد می‌شوم، صفحه به صفحه آن را مطالعه می‌کنم.

هرچه به من اصرار می‌کنند که زودتر پایان نامه ما را بدهید که وقت دفاع نزدیک است، می‌گویم: من تا به دقت مطالعه نکنم، نمی‌توانم آن را قبول کنم.

بنده هر مطلبی را ببینم و احساس کنم که نادرست است، به مصدر نگاه می‌کنم و می‌گویم که این مطلب را تصحیح کنید.

بنده در مدرسه حجتیه قم استاد داور رساله دکتری یکی از طلاب در جامعه المصطفی بودم. ایشان دلیل آورده بود که زینب و أم کلثوم و رقیه دختران پیغمبر اکرم نیستند، بلکه دختر خوانده هستند.

بنده گفتم باید تمام ادله را از رساله حذف کنید، زیرا این جز ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی ثمره دیگری ندارد. گرچه بعضی افراد روی این قضیه اصرار دارند، اما بنده که استاد داور بودم نظرم خلاف این قضیه بود. من گفتم: تا این مطالب را از رساله حذف نکنید، نمره نمی‌دهم.

مشاهده کنید ما چطور نسبت به رساله‌هایی که زیر دستمان هست پافشاری می‌کنیم و چطور دقت می‌کنیم و این آقایان چطور دقت می‌کنند!! ایشان در رابطه با منافقینی که یک سوم قرآن کریم در حق آنها نازل شده به طوری که خداون متعال می‌فرماید:

(وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ)

و از اهل (خود) مدینه (نیز) گروهی سخت به نفاق پای بندند که آنها را نمی‌شناسی و ما آنها را می‌شناسیم.

سوره توبه (9): آیه 101

پیغمبر اکرم هم چهره واقعی تعدادی از منافقین را نمی‌دانست. حال ایشان می‌گوید که روایات متواتری از ائمه اطهار مبنی بر ارتداد این افراد داریم!!

دقت داشته باشید که ایشان در رساله «توثیق السنة بین الشيعة الإمامية و أهل السنة» می‌نویسد:

«و قد تواترت الأخبار عن أئمتنا الأبرار بردّتهم، أي الصحابة»

جوانان اهل سنت! بروید مطالبی که بزرگان‌تان از کتب شیعه برای شما نقل می‌کنند را نگاه کنید و ببینید که واقعاً راست می‌گویند یا دروغ می‌گویند؟! بنده از اینطور موارد که تحریف هست، شاید بالای صد مورد سراغ دارم که صدر و ذیل حقایق را حذف کردند.

بنده یک مرتبه در «شبکه جهانی ولایت» در رابطه با «ابو لؤلؤ» گفتم: «ابو لؤلؤ» که عمر بن خطاب را ترور کرد، در مدینه کشته شد و در قبرستان بقیع دفن شد. بنده آدرس دادم که این روایت در کتاب «بحارالانوار» جلد 33 صفحه 33 آمده است.

در ادامه گفتم شخصی که به نام «ابو لؤلؤ» در کاشان دفن شده است، مرد صالحی بود و به خاطر هم نامی با قاتل عمر بن خطاب مشهور شد!!

یک مرتبه ملاحظه کردیم شبکه‌های وهابی کلیپی تقطی شده از بنده درست کردند و چنین ساختند که بنده گفتم: «ابو لؤلؤ» قاتل عمر بن خطاب مرد صالحی بود. در مقابل ما هم اصل کلیپ را پخش کردیم و رسوا شدند.

مجری:

الآن هم اگر بینندگان دیدند چنین کلیپی از این جلسه بیرون آمد، تعجب نکنند و حواسشان به بحث باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

همچنین با جابجایی مطالب بنده کلیپ دیگری از من در رابطه با شمارش اعداد درست کردند و ادعا کردند که آقای قزوینی نمی‌تواند بین هزار و هزار و صد فرق بگذارد!!

شاید بنده تنها کسی باشم که هم دکترای ایران را دارم و هم PHD اروپا را دارد. بنده بیش از هشتاد جلد کتاب تألیف کردم و مردم هم دیدند که بنده احادیث را با ذکر شماره جلد و صفحه و حدیث نقل می‌کنم.

یک انسان احمق چنین چیزی را باور نمی‌کند که شماها می‌کنید. اگر این مطالب را به دیوانه‌ها بگویند، دیوانه‌ها می‌فهمند که اینها همگی ساخته و پرداخته وهابیت است. امروزه از نظر فن رسانه‌ای آوردن یک عبارت و تقطیع آن بسیار راحت است.

این‌ها نمونه‌ای از کارهای این آقایان است. جالب اینجاست که بنده نگاه کردم در کتاب «الشیعة و أهل البيت» اثر «احسان الهی ظهیر» مطلب دیگری در این خصوص آمده است.

«احسان الهی ظهیر» وهابی تندرو؛ و نسبت دروغ به بزرگان شیعه!!

«احسان الهی ظهیر» یکی از وهابی‌های ضد شیعه در پاکستان بود که فتوا به قتل شیعه داده بود. او به همین مناسبت ترور شد و رفت آنجایی که باید می‌رفت.

این مطالب را بنده همین امروز در مطالعه استخراج کردم و به بحث‌هایی که آماده کرده بودم تا امشب بگویم نرسیدیم.

ایشان کتابی به نام «الشیعة و أهل البيت» دارد که در آن می‌نویسد:

« ویروي المجلسي عن الطوسي رواية موثوقة عن علي بن أبي طالب أنه قال لأصحابه: أوصيكم في أصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - لا تسبوهم فإنهم أصحاب نبيكم»

مجلسی از طوسی روایت موثق و معتبری از علی بن ابی طالب نقل می‌کند. حضرت در خصوص صحابه می‌فرماید: شما را نسبت به اصحاب پیغمبر اکرم وصیت می‌کنم. آن‌ها را فحش ندهید، زیرا آنها اصحاب پیغمبر شماست.

« وهم أصحابه الذين لم يبتدعوا في الدين شيئاً، ولم يوقروا صاحب بدعة، نعم! أوصاني رسول الله (صلى الله عليه وسلم) في هؤلاء»

الشیعة وأهل البيت؛ المؤلف: إحسان إلهي ظهیر الباكستاني (المتوفى: 1407هـ)، الناشر: إدارة ترجمان

السنة، لاهور - باكستان؛ ص 37

ایشان بعد شروع به تاخت و تاز کردن و توهین کردن و فحش دادن نسبت به شیعه کرده است و هرچه لایق خودش بوده را نثار شیعه کرده است.

اولاً همین عبارتی که ایشان آورده است را ما هم قبول داریم. ما نسبت به اصحابی که بدعت نگذاشتند و صاحب بدعتی را احترام نگذاشتند احترام می‌گذاریم.

بنده مطالعه کردم تا ببینم «مرحوم طوسی» این مطلب را در کجا گفته است. ایشان این مطلب را از کتاب «حیات القلوب» اثر «علامه مجلسی» جلد دوم صفحه 621 نقل کرده است. کتاب «حیات القلوب» فارسی است و ایشان خود این عبارت را به عربی ترجمه کرده است.

بنده خیلی به زحمت افتادم تا ببینم این عبارت در کدام یک از آثار «شیخ طوسی» آمده است و بعد از جستجو متوجه شدم «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «أمالی» صفحه 522 حدیث شماره 1157 این عبارت را نقل می‌کند. متن عبارت چنین است:

«وَأَوْصِيكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ، لَا تَسُبُّوهُمْ»

نسبت به اصحاب پیغمبر اکرم سفارش می‌کنم که آنها را سب نکنید.

«وَهُمُ الَّذِينَ لَمْ يَخْدِثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا»

اصحابی که بعد از پیغمبر اکرم بدعتی نگذاشتند.

«وَلَمْ يَأْتُوا مُحَدِّثًا»

و بدعت دیگران را هم ترویج ندادند.

«فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْصَى بِهِمْ»

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به آنها توصیه کرده است.

الأمالی (للطوسی): نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: 460 ق، ناشر: دار الثقافة،

قم، 1414 ق، نوبت چاپ: اول، ص 522، ح 1157

عقیده شیعه چنین است!! مشاهده کنید این عبارت با عبارتی که ایشان ترجمه کرده است، زمین تا آسمان تفاوت دارد.

ایشان ادعا می‌کند که این روایت موثق است. حال ما نمی‌دانیم ایشان خواب دیده است یا قضیه چیز دیگری است. بنده بیست سال در حوزه علمیه رجال تدریس کردم به طوری که فوت و فن رجال را در دست دارم.

راوی اول روایت «هارون بن عمر بن عبدالعزیز» است. آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد 20 صفحه 25 می‌گوید که این شخص مجهول است. راوی دوم «فضیل بن محمد بن مسیب» است که مجهول است.

روایت صددرصد ضعیف است، اما ایشان ادعا می‌کند: «روایة موثقة». آقای بزرگوار! شما که می‌خواهید مطلبی از شیعه نقل کنید، اجازه بدهید دوستانتان که عقیده فاسد شما را ندارند با منابع شیعه ارتباط بگیرند.

کتب رجالی شیعه نظیر «رجال شیخ طوسی»، «رجال نجاشی»، «رجال کشی»، «فهرست شیخ طوسی»، «رجال برقی»، «رجال علامه حلی»، «رجال ابن داود»، «تنقیح المقال» و «رجال مرحوم حائری» در اختیار همگان هست.

حداقل یکی از این کتب را نگاه کنید و ببینید اصلاً عبارتی که «مرحوم علامه مجلسی» به صورت مرسل نقل کرده است، سندش کدام است!؟

دوستان عزیز شما همین جا ملاحظه کردید که «مرحوم شیخ طوسی» در اینجا «وَ بِإِسْنَادِهِ» را آورده است. ایشان سه صفحه قبل یک سند را ذکر کرده و «وَ بِإِسْنَادِهِ» می‌گوید.

آقای محترم! قدری به این مسائل دقت کنید و ببخود مسلمانان را به جان همدیگر نیندازید. والله با کشتن چند شیعه عالم گلستان نمی‌شود!

ما به شیعیانی که در شبکه‌های ماهواره‌ای دائماً به صحابه ناسزا می‌گویند هم می‌گوییم. والله با فحش دادن به صحابه دنیا گلستان نمی‌شود و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از شما راضی نمی‌شود!

ما نباید نبش قبر کنیم. در گذشته عده‌ای از علمای شیعه مطالبی گفتند و عده‌ای از علمای اهل سنت هم مطالبی گفتند. والله اگر این مطالب رو شود، به ضرر شماست.

شما بعد از هزار و سیصد سال هنوز مقلد «ابو حنیفه» هستید که متوفای 150 هجری است. شما هنوز مقلد آقای «مالک» هستید که متوفای 179 هجری است.

شما هنوز مقلد آقای «شافعی» هستید که متوفای 204 هجری است. همچنین حنبلی‌ها مقلد «احمد بن حنبل» هستند که متوفای 241 هجری است.

در مقابل یکی از افتخارات شیعه این است که تقلید از مرجع از دنیا رفته را باطل می‌داند. اگر «علامه حلی» این مطلب را گفته باشد، نظر ایشان در زمان خودش برای مقلدینشان حجت بود.

همچنین فرمایشات «شیخ طوسی» برای مقلدینشان حجت بود. فرمایشات «شیخ مفید» و «سید مرتضی» در زمان خودشان برای مقلدینشان حجت بود.

در حال حاضر علمای ما مقلد مراجع بزرگوار عظام تقلید نظیر آیت الله العظمی سیستانی هستند که می‌فرماید:

«لا تقولوا إخواننا أهل السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

اهل سنت را برادر نخوانید، زیرا آنها جان و روح ما هستند!

تمام مراجع عظام تقلید همین نظر را دارند. اگر قرار باشد نبش قبر شود، قطعاً به ضرر شماست.

البته بنده در نظر داشتم مطالب زیادی عرض کنم، اما به ساعت نگاه می‌کنم و می‌بینم که وقت گذشته است. هفته گذشته هم عزیزان ما چند سؤال پرسیده بودند.

اگر به سؤالات پاسخ دادیم و فرصتی باقی بود، قدری در خصوص رابطه امیرالمؤمنین با صحابه و نظر شیعه نسبت به صحابه صحبت خواهیم کرد.

بنده می‌خواهم نظر شیعه را نسبت به صحابه ببینید و نظر وهابیت را هم نسبت به صحابه ببینید و با هم مقایسه کنید.

مجری:

ان شاءالله این قول را از حضرتعالی می‌گیریم که در این جلسه یا اگر فرصتی نشد در جلسه آینده حتماً پاسخگوی این سؤال همه عزیزان باشید.

همانطور که مشاهده می‌کنید، تلفن‌ها زیرنویس شده است. این شماره‌ها راه‌های ارتباطی شما با «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» هست.

شما هر لحظه این امکان را دارید که تماس بگیرید و صدای شما را داخل استودیو بشنویم و پاسخگوی دغدغه ذهنی و سؤال دینی شما باشیم. به سراغ تماس‌های شما عزیزان می‌رویم، اما قبل از آن یک میان برنامه می‌بینیم و سپس در خدمت شما خواهیم بود.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

عزیزانی که تماس گرفتند یک لحظه منتظر بمانند، ان شاءالله تلفن شما عزیزان را هم متصل خواهیم کرد. جلسه پیش دو سؤال باقی مانده بود که متأسفانه فرصت نشد آنها را پاسخگو باشیم. عزیزان پیام دادند که لطفاً به این سؤالات هم پاسخ بدهید.

پرسش:

آقا عبدالرضا از خرم آباد با برنامه تماس گرفتند. سؤال ایشان این بود با توجه به اینکه پیغمبر اکرم علم غیب داشتند، چرا اصحابی که شیعیان ادعا می‌کنند آنها در رفتار خودشان با رسول الله منافقانه برخورد می‌کردند و اصحاب خیر نبودند را از خود طرد نکرد؟

چرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با علم غیب خود، منافقان را رسوا نکرد؟!

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

در جواب این عزیزان ما قبلاً هم اشاره داشتیم اصل اینکه علم غیب را خداوند عالم طبق آیه 26 سوره مبارکه جن که می‌فرماید:

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ)

عالم الغیب او است، و هیچکس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که آنها را برگزیده است.

سوره جن (72): آیات 26 و 27

(مِنْ) هم به عنوان یک نمونه و بیان هست. مفسرین شیعه و سنی همگی بر این عقیده هستند که خداوند عالم به هرکسی بخواهد از علم غیبش می‌دهد.

(يُدُّ اللَّهُ مَغْلُوبَةً)

دست خدا به زنجیر بسته است!

سوره مائده (5): آیه 64

نیست. ما روایتی از «صحيح بخارى» آوردیم که «حذیفه» می‌گوید: من اعلم الناس به تمام فتنه‌ها از امروز تا قیام قیامت هستم. تمام اینها را پیغمبر اکرم به من گفته و به غیر من هم نگفته است.

ما عبارت «ابن تیمیه» را هم آوردیم که می‌گوید اتباع ابوبکر و عمر چندین برابر علی بن ابی طالب علم غیب داشتند. همچنین «ابن قیم» هم می‌گوید که استاد ما «ابن تیمیه» منکر علم غیب نیست.

بنابراین در اینکه خداوند عالم به کسی علم غیب بدهد، شک و شبهه‌ای نیست. در مقابل انبیاء الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام) از علم غیب استفاده شخصی نمی‌کردند.

بنده مثال زدم زمان سابق پشت ماشین‌های دولتی نوشته بودند: استفاده اختصاصی ممنوع! متأسفانه یکی دو سال بعد از انقلاب این جمله را از پشت ماشین‌های دولتی حذف کردند.

البته اگر پلیس ببیند کسی با پلاک دولتی استفاده شخصی می‌کند، می‌تواند سریعاً او را جریمه کند یا به محکمه معرفی کنند.

به عنوان مثال ماشینی که به استاندار می‌دهند، استاندار می‌تواند برای کارهای استانداری‌اش از آن استفاده کند. او چنین اختیاری ندارد که با ماشین دولتی همراه خانواده‌اش به مسافرت یا دیدن اقوام برود.

علم غیب ائمه اطهار و پیامبران هم این چنین هستند. خداوند عالم به آنها علم غیب داده تا آنها از این علم غیب برای نشر توحید و نشر معارف دینی در جایی که مأذون هستند، استفاده کنند.

اختیار آنها دست خداست. خدا هرکجا اجازه دهد آن بزرگواران از علم غیب استفاده می‌کنند و هرکجا اجازه ندهد آنها از علم غیب استفاده نکنند. خداوند عالم قدرت احیای اموات را به حضرت عیسی داده است، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ أُحْيِ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)

و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.

سوره آل عمران (3): آیه 49

حضرت عیسی پدر نداشت، اما مادر داشت. وقتی عزرائیل روح حضرت مریم را قبض کرد، حضرت عیسی می‌توانست به اذن الهی مادرش را احیا کند. حضرت همچنین می‌توانست اجداد خود را احیا کند و با آنها زندگی کند.

زمانی که دوستان حضرت عیسی از دنیا می‌رفتند، آیا حضرت می‌آمد آنها را زنده کند و تا آخرین لحظه عمر با آنها باشد؟!

این منطق قرآن کریم است. لذا ائمه اطهار و انبیاء الهی از علم غیب استفاده اختصاصی نمی‌کردند. آن‌ها هرکجا مأذون بودند از علم غیب استفاده می‌کردند و هرکجا مأذون نبودند استفاده نمی‌کردند. این یک قاعده کلی است و شیعه و سنی بر این عقیده هستند.

بحث دیگر این است که پیغمبر اکرم جمعیت صد و بیست و چهار هزار نفری را جمع کردند. همانطور که خواندیم تعدادی از آنها منافقینی بودند که پیغمبر اکرم هم آنها را نمی‌شناخت.

رسول گرامی اسلام تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا با صحابه با تفاهم و دوستی برخورد کند.

اگر به کتاب «البدایة و النهایة» جلد پنجم صفحه 19 مراجعه کنید، می‌بینید که ایشان به صراحت می‌نویسد که «عمار» و «حذیفه» نسبت به دوازده نفری که می‌خواستند حضرت را در راه برگشت از جنگ تبوک ترور کنند، می‌گویند:

«یا رسول الله أفلا تأمر بقتلهم»

یا رسول الله! آیا دستور نمی‌دهی که ما آنها را بکشیم؟

«فقال أكره أن يتحدث الناس أن محمدا يقتل أصحابه»

پیغمبر فرمود: من دوست ندارم مردم بگویند که رسول الله اصحابش را می‌کشد.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بیروت، ج 5، ص 19، فصل فیمن تخلف معذورا من البکائین و غیرهم

اگر شما کلمه «یقتل أصحابه» را در نرم افزارها جستجو کنید، می‌بینید که چندین مورد آمده است. در کتاب «صحیح بخاری» حدیث 3330 نقل شده است که «عبدالله بن اُبی» جسارتی کرد و مطالبی گفت. خلیفه دوم گفت:

«ألا نقتل یا رسول الله هذا الخبیث لعبد الله»

یا رسول الله! آیا نمی‌خواهی این خبیث را بکشی؟

«فقال النبی لا يتحدث الناس أنه کان یقتل أصحابه»

پیغمبر فرمود: من دوست ندارم مردم بگویند که رسول الله اصحابش را می‌کشد.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1296، ح 3330

ما از اینطور تعبیر زیاد داریم. همچنین شخصی به نام «حاطب بن ابي بلتعۃ» جاسوسی کرده بود. اصحاب عرضه داشتند که اجازه بدهید ما او را بکشیم، اما حضرت قبول نکردند. همچنین فردی در ماجرای غنائم حنین نسبت به پیغمبر اکرم جسارت کرد و گفت:

«يا محمد اغدِلْ»

عمر بن خطاب گفت:

«دَعْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَقْتُلَ هَذَا الْمُنَافِقَ»

یا رسول الله! اجازه بدهید ما این منافق را بکشیم.

«فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ يَتَحَدَّثَ النَّاسُ أُنِّي أَقْتُلُ أَصْحَابِي إِنَّ هَذَا»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 2، ص 740، ح 1063، باب 47 ذِكْرِ الْخَوَارِجِ وَصِفَاتِهِمْ

مجری:

وقتی این افراد پا را از نفاق هم فراتر گذاشتند، اما رسول الله با آنها هم مدارا می‌کند جای این اشکال پیش نمی‌آید که چرا حضرت آنها را طرد نکردند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله.

«أبى الله أن يجرى الامور إلا بأسبابها»

منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده
آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، ج 17، ص 272، الحدیث الاول

پیغمبر اکرم مردم را ابلاغ کردند، حرفشان را هم زدند، اتمام حجت هم کردند و فردای قیامت بر مبنای اتمام
حجتشان آنها را مؤاخذه خواهند کرد.

مجری:

حضرت استاد بسیار ممنونم. جناب آقای ناروئی پرسیده بودند که در صحرای محشر محاسبه با چه کسی
است؟! آیا خداوند عالم محاسبه خواهند کرد یا فرشتگان یا اهل بیت؟! لطف کنید مختصر پاسخ دهید تا صدای
بینندگان را هم بشنویم.

حساب و کتاب مردم در قیامت به دست خداست یا ملائکه و اهل بیت؟!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من به آقای ناروئی عزیز یک جمله بگویم و یک شوخی هم بکنم. اگر شما مثل «ابن تیمیه» معتقد هستید
خداوند عالم جسم هست و أمرد هست و موهای فرفری دارد و سوار بر الاغ پایین می آید، خداوند عالم خود
به حساب می رسد. در مقابل خداوند عالم؛

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

همانند او چیزی نیست.

سوره شوری (42): آیه 11

یا:

(وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

و برای او هرگز شبیه و مانندی نبوده است.

سوره إخلاص (112): آیه 4

خداوند عالم فراتر از درک و عقل ما هست. ما حتی به تعبیر امیرالمؤمنین صفات الهی را نمی‌توانیم درک کنیم.

«لَا يَبْلُغُهُ بُعْدُ أَلْهَمِمْ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطْنِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 137، ح 1

فاضل‌ترین و عاقل‌ترین انسان‌ها نمی‌توانند حتی صفتی از صفات الهی را توصیف کند، زیرا هم خودش نامحدود است و هم صفاتش نامحدود است. ذهن ما محدود است و ما با همین جسم‌ها سروکار داریم. اگر چنین عقیده‌ای داریم، همانطور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می‌کند.

سوره زمر (39): آیه 42

خداوند که خود سوار الاغ نمی‌شود تا شهر به شهر بگردد ببیند چه کسی در حال جان دادن است و او را قبض روح کند. خداوند عالم یک سری مأمورینی دارد؛

(فَالْمُدَّبِّرَاتِ أَمْرًا)

و آنها که امور را تدبیر می‌کنند.

سوره نازعات (79): آیه 5

:9

(فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا)

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند.

سوره ذاریات (51): آیه 4

یکی از آنها هم حضرت عزرائیل و یارانش است. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (32): آیه 11

فردای قیامت هم خداوند عالم حسابش را به یک سری از فرشتگان یا بندگان می‌سپارد. ما شیعیان روایات متعدد داریم.

در آخرین جلسه مناظره ما با «پروفسور غامدی» در حالی که «دکتر زمانی» و «دکتر مبلغی» و چند تن از اساتید دانشگاه تهران هم در آن جلسه حضور داشتند، یکی از بحث‌ها همین بود. ایشان گفتند قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ)

مسلماً بازگشت آنها به سوی ما است.

(ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ)

و مسلماً حساب آنها با ما است.

سوره غاشیه (88): آیات 25 و 26

شما می گویند:

«وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 612، ح 3213

ما می گوئیم ائمه اطهار که مقامشان از فرشته‌ها کمتر نیست. خداوند عالم این اختیار را دارد که حساب مردم را به امام زمانش یا امام وقتش یا ائمه اطهار واگذار کند. چه اشکالی دارد!؟

«أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأُمُورُ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا»

قطعاً فردای قیامت در مقام حساب و کتاب هم فرشته‌ها هستند و هم انبیاء الهی هستند و هم ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند. ما روایاتی از علمای گذشته خود در این زمینه داریم.

دوستان می‌توانند به کتاب «أمالی» اثر «شیخ طوسی» صفحه 406 حدیث 911 و کتاب «بحارالانوار» جلد 8 صفحه 50 و جلد 7 صفحه 264 در رابطه با معاد مطالعه کنند.

در این کتب به تفصیل آمده است که امام هر زمان متصدی حساب و کتاب مردم زمان خویش است. فردای قیامت ما معتقد هستیم و عزیزان شیعه هم بدانند که حساب و کتاب ما به دست مولا و سرورمان حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) صورت می‌گیرد.

مجری:

ان شاءالله، حاج آقا بسیار تشکر می‌کنیم. همچنین تشکر می‌کنیم از این عزیزان که فرصت دادند و قوی هم که دادیم انجام شد. جناب آقای ناروئی و آقا عبدالرضا هم پاسخ خود را گرفتند.

تماس بینندگان برنامه:

تماس اول جناب آقای نوروزی از گرگان پشت خط هستند. آقای نوروزی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای نوروزی از گرگان - شیعه):

ضمن عرض سلام خدمت جنابعالی و استاد گرانقدر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی.

مجری:

علیکم السلام.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

بنده ابتدا به وقت برنامه شما انتقاد کنم. شما یک شبکه‌ای هستید که در مقابل این همه شبکه‌ها و فضای مجازی مقابله می‌کنید. وقت برنامه بسیار کم و محدود است.

بنده از شما تقاضا دارم کارشناسان روابط عمومی استخدام کنید و از آنها به کار گیری کنید تا تمام سؤالات و شبهه‌ها را جمع آوری کنند و خدمت شما ارائه بدهند تا حضرتعالی پاسخ بدهید.

یکی از شبهاتی که وهابیت در فضای مجازی منتشر کردند عصمت امامان است. سؤال دوم این است که آیا امام حسن یا امام حسین (علیهم السلام) در جنگ با ایران شرکت داشتند؟! آیا «سلمان» در جنگ با ایران همراه خلفا شرکت داشت یا خیر؟! ممنونم.

مجری:

بسیار خوب، سلامت باشید، خدا حفظتان کند. جناب آقای نوروزی از گران بودند که از ایشان تشکر می‌کنیم. آقای یآوری از مشهد مقدس پشت خط هستند. آقای یآوری صدای شما را می‌شنویم، بفرمایید:

بیننده (آقای یآوری از مشهد - شیعه):

سلام علیکم، شب شما بخیر، خسته نباشید.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله، شب شما هم بخیر.

بیننده:

همچنین سلام عرض می‌کنم خدمت استاد محترم جناب آیت الله قزوینی. بنده سؤالی داشتم و می‌خواستم جواب آن را از برادران اهل تسنن و محصلین و کسانی که اهل علم هستند بپرسم.

بنده صلاح دیدم که این سؤال را مستقیماً از استاد عزیز آیت الله قزوینی بپرسم تا ایشان جواب بدهند تا سؤال دو بعدی شود.

کلمه «فاروق» و «صدیق اکبر» از دیدگاه ما شیعیان مختص شخص امیرالمؤمنین بوده است. بنده به مراکز اهل تسنن زیاد رفت و آمد می‌کنم و از مشتریان دائم این شبکه هم هستم.

وقتی می‌گویند «عمر فاروق» یا «ابوبکر صدیق» ما به چه دلیل قبول کنیم که این القاب مختص این دو آقا هست و آن حدیثی که خواندیم مختص امیرالمؤمنین است که پیغمبر اکرم این لقب را به آن بزرگوار داده است. با تشکر، لطف دارید، شبتان بخیر.

مجری:

سلامت باشید، خدا حفظتان کند، التماس دعا داریم. ان شاءالله در مشهد مقدس نائب الزیاره ما باشید. آقا سعید از تهران پشت خط هستند. آقا سعید در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا سعید از تهران - اهل سنت):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

حضرت استاد سلام علیکم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام جناب آقا سعید عزیز.

بیننده:

شبتان بخیر، خسته نباشید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ممنون عزیزم.

بیننده:

ممکن است دومرتبه در مورد آیه قبل که با همدیگر صحبت می‌کردیم، صحبت کنیم؟ فکر کنم وقت نباشد.

مجری:

وقت بسیار محدود است. اگر سؤالتان را بفرمایید، ان شاءالله حضرت استاد پاسخگو هستند.

بیننده:

حضرت استاد فرمودند که دعا همان عبادت است. درست است؟

مجری:

استاد فرمودند که در جای جای قرآن کریم تفاوت می‌کند. چنین نیست که شما همه را یک کاسه کنید و بگویید که همه اینها یا به معنای عبادت باشد یا همه اینها را به معنای فراخواندن بگیریم.

بیننده:

سؤال من این است که شما فرمودید وقتی ما «یا علی مدد» می‌گوییم، حضرت علی را عبادت نمی‌کنیم بلکه ایشان را می‌خوانیم. در ادبیات قرآنی خواندن همان دعاست، درست است؟ شما در ظاهر عبادت نمی‌کنید، اما پیغمبر اکرم می‌فرماید:

(قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)

بگو من از پرستش کسانی که غیر از خدا می‌خوانید نهی شده‌ام.

سوره انعام (6): آیه 56

در این آیه (نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ) آمده است، نه «نهیّت أن أعبد الذین تعبدون». بنابراین عبادت با دعا متفاوت است.

در عین حال خواندن و دعا کردن و حاجت خواستن از کسی به آن شکل که قرآن کریم می‌فرماید، خود عبادت است. این دو کار جداگانه است و یکی نیست.

هرجایی که در مورد خواندن آمده است درست است که معنی عبادت می‌دهد، اما بحث این است که دادن صفات الهی به غیر خداست.

حاج آقا بنده سؤال دیگری هم دارم که شما اگر خواستید بعداً توضیح بدهید. امشب که در مورد علم غیب مطالبی فرمودید، بنده می‌خواستم مطلبی بگویم.

مجری:

آقا سعید شما برنامه پیش را کاملاً دیدید؟ با توجه به اینکه فرصت هم محدود است، حضرت استاد مفصلاً به شما پاسخ دادند.

آیا هر درخواستی از غیر خدا، عبادت او محسوب می‌شود!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا سعید بنده سؤال از حضرتعالی دارم. شما که می‌فرمایید هرکجا کلمه «دعا» آمده به معنای عبادت است، در سوره مبارکه نوح آیه 5 آمده است:

(قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا)

(نوح) گفت پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم.

سوره نوح (71): آیه 5

یعنی «عبدت قومی لیلًا و نهارًا»!؟

بیننده:

حاج آقا من نگفتم که هر جا دعاست به معنای عبادت است. من می گویم که پیامبر الهی می فرماید: (إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ).

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

زنده باشید. هر جا کلمه (مِنْ دُونِ اللَّهِ) آمده است، شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که کلمه (دَعَوْتُ) به معنای «عبدت» است. اولین مناظره‌ای که با مفتی اعظم عربستان سعودی داشتم، ایشان این آیه را به عنوان دلیل بر شرک و توسل آورد:

(وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ)

چه کسی گمراه‌تر است از آنها که غیر خدا را پرستش می‌کنند که اگر تا قیامت هم آنان را بخوانند پاسخشان نمی‌گویند، و اصلاً صدای آنها را نمی‌شنوند!

سوره احقاف (46): آیه 5

حضرتعالی آن روز هم همین آیه را فرمودید. کتابی که مشاهده می‌کنید «تفسیر طبری» است، همان که «ابن تیمیه» در مورد این کتاب و «تفسیر ابن ابی حاتم» می‌نویسد:

«و تفاسيرهم متضمنة للمنقولات آلتى يعتمد عليها فى التفسير»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى أبو العباس، دار النشر:
مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 7، ص 179، فصل قال
الرافضى البرهان الحادى و العشرون

ایشان همین آیه را می آورد و در مورد آن می نویسد:

«لا تجيب دعاءه أبدا لأنها حجر أو خشب أو نحو ذلك»

در ادامه می نویسد:

«وأي عبد أضل من عبد يدعو من دون الله آلهة»

جامع البيان عن تأويل آى القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبرى أبو جعفر، دار
النشر: دار الفكر - بيروت - 1405، ج 26، ص 4، باب الأحقاف: (5) ومن أضل ممن

این خیلی واضح و روشن است.

بیننده:

حضرت استاد (مِنْ دُونِ اللَّهِ) به چه معناست؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

(مِنْ دُونِ اللَّهِ) یعنی در برابر خدا و به جای خدا!

بیننده:

به جای خدا، غیر از خدا، در برابر خدا.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به جای خدا!

بیننده:

من قبول می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یعنی ما به جای اینکه خدا را عبادت کنیم، کسی غیر از خدا را عبادت کنیم. این شرک است و در آن هیچ شکی نیست.

بیننده:

حاج آقا با این حساب وقتی شما «یا علی مدد» می‌گویید، آیا نباید برای حضرت علی صفتی قائل باشید که حضرت علی صدای شما را می‌شنود و می‌بیند و حاضر و ناظر است؟! حاج آقا با چه حجت قرآنی به چنین اعتقاد بسیار مهمی قائل هستید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اصل این که «یا علی» شرک هست، نیست. شما می‌گویید که «یا علی» گفتن شرک است. بنده در جلسه گذشته نظر مراجع بزرگوار عظام اعم از آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی سیستانی را آوردم.

مراجعی که عموم شیعه مقلد این بزرگواران هستند، معتقدند که «یا علی» گفتن شرک نیست، همانطور که «یا الله» گفتن شرک نیست.

ما معتقدیم خداوند عالم به علی بن ابی طالب قدرت داده که صدای ما را می‌شنود و مستقیم می‌توانیم از ائمه اطهار حاجت بخواهیم، همانطور که می‌توانیم مستقیماً از خداوند متعال حاجت بخواهیم.

یک مرتبه بحث سر این است که «یا علی» گفتن چه حکمی دارد که باید بحث آن جدا شود. همانطور که نسبت به حضرت موسی خطاب می‌کنند:

(یا مُوسَى اذْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَ لَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ)

ای موسی از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده رفتار کند، اگر این بلا را از ما مرتفع سازی قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.

سوره اعراف (7): آیه 134

بیننده:

حاج آقا این را مشرکین می‌گویند، نه مسلمانان.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خداوند عالم می‌فرماید که اینها شرک است یا اینکه می‌فرماید: «لما كشفنا عنهم رجزة»!؟

بیننده:

من نمی‌گویم که شما خدای ناکرده مشرک هستید، اصلاً این حرف‌ها نیست. من به طور کلی شیعه را مشرک نمی‌دانم. حاج آقا من خودم شیعه هستم، اما عقاید امامیه ندارم.

جنابعالی را هم مشرک نمی‌دانم تا زمانی که می‌فرمایید به اذن خدا حضرت علی حاجات شما را می‌دهد. تا زمانی که شما به این دکترین قائل هستید، به اذن خدا نمی‌توانید مشرک باشید به این خاطر که معتقدید مستقل از خود این کار را نمی‌کند.

حاج آقا عرض من به شما این است و می‌خواهم برای من روشن کنید شما که می‌فرمایید حضرت علی به اذن خدا حاضر و ناظر است، می‌بیند، می‌شنود، اجابت می‌کند، روزی و حاجت می‌دهد؛

(وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا)

آن‌ها هرگز به این سخن یقین ندارند تنها از ظن و گمان بی پایه پیروی می‌نمایند، با اینکه گمان هرگز انسان را بی نیاز از حق نمی‌کند.

سوره نجم (53): آیه 28

بنده می‌گویم که عقاید نباید براساس ظن و گمان باشد بلکه باید براساس حجت‌های صادق و بسیار متقن قرآنی باشد. چطور معتقد هستید حضرت علی الآن می‌بیند و می‌شنود، اما من نمی‌توانم آن را از قرآن کریم متوجه شوم؟! این را به من توضیح بدهید.

مجری:

حاج آقا اگر اجازه بدهید با آقا سعید خداحافظی کنیم، زیرا عزیزان زیادی هم سؤال پرسیده بودند. سؤالتان واضح شد و اشاره می‌کنند که فرصت بسیار محدود است. ان شاءالله حضرت استاد هم پاسخگو خواهد بود. بعید می‌دانم به سؤالات دیگر عزیزان برسیم. اگر ترجیح می‌فرمایید از همین سؤال آقا سعید شروع کنیم، پاسخ را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقا سعید شما جلسه بعد تشریف بیاورید. ظاهراً در جلسه گذشته هم تماس گرفته بودند، اما حضرتعالی پاسخ ندادید یا من متوجه نشدم.

حضرتعالی روی خط بیاید تا من هم از قرآن و هم از سنت برای شما بیاورم که «یا علی» گفتن نه تنها شرک نیست بلکه عین توحید است.

همانطور که خداوند عالم به حضرت عزرائیل این قدرت را داده است که در یک آن تمام خلایق حتی حیوانات را قبض روح کند، عزرائیل هم قبض روح می‌کند.

خداوند عالم در یک آن چنین قدرتی به او داده است. چه اشکالی دارد که خداوند عالم چنین قدرتی را به اهل بیت داده باشد؟! در یک لحظه ده‌ها هزار نفر می‌گویند: «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته».

پیغمبر اکرم یا می‌شنود یا نمی‌شنود. اگر نمی‌شود که این کار عبث و باطل است. اگر می‌شنود همان پیغمبری که سلام ما را می‌شنود، توسل ما را هم می‌شنود. وقتی پیغمبر اکرم شنید و در آن جا شرک نشد، در روایت داریم؛

«إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ فَوَّضَ إِلَيَّ وَ اتَّمَنَّهُ»

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق،

محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق، نوبت

چاپ: چهارم؛ ج 1، ص 265، ح 1، بَابُ التَّفْوِیْضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ

تمام اختیارات و قدرتی که خداوند عالم به رسول اکرم داده است، به امیرالمؤمنین و ائمه اطهار هم داده است.

در خصوص آیه 64 سوره نساء همه تفاسیر شیعه و اهل سنت را نگاه کنید که همگی معتقد هستند این آیه هم زمان حیات پیغمبر اکرم را شامل می‌شود و هم بعد از رحلت پیغمبر اکرم را شامل می‌شود. این قضیه بسیار ساده و روشن است.

مشاهده کنید تمام فقهای ما در کتب فقهی‌شان و همچنین فقهای اهل سنت اعم از حنفی‌ها و حنبلی‌ها و شافعی‌ها و مالکی‌ها به اتفاق آراء اجماع دارند که اگر کسی کنار قبر پیغمبر اکرم بیاید و بگوید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَزُوا اللَّهَ وَاسْتَعْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذارند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (4): آیه 64

این (جاؤک) هم مختص زمان حیات است و هم بعد از حیات را شامل می‌شود. افراد نزد رسول الله می‌آیند و عرضه می‌دارند:

«انا جئناک فاسئلك أن تستغفر لنا»

همه فقها بر این قضیه اجماع دارند، یک مورد و دو مورد نیست. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنونم. همچنین از آقا سعید عزیز تشکر می‌کنیم. کمتر از دو دقیقه فرصت داریم. ان شاء الله برسیم سؤالات را پاسخگو باشیم. آقای یآوری پرسیدند: «فاروق» و «صدیق اکبر» مخصوص چه کسی هست؟

آیا لقب «فاروق» و «صدیق» مخصوص امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با «فاروق» و «صدیق اکبر» روایات متعددی از اهل سنت داریم مبنی بر اینکه «فاروق» و «صدیق اکبر» یکی از اوصاف امیرالمؤمنین بوده است. به غیر از آن بزرگوار این صفت نباید به هیچکسی دیگر اطلاق شود.

این‌ها یکی دو سه مورد نیست. اهل سنت خود آورده‌اند که امیرالمؤمنین «فاروق» هست. در کتاب «معجم الکبیر» اثر «طبرانی» جلد ششم آمده است:

«إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِى وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهَذَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَهَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَهَذَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِ»

المعجم الکبیر، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى، ج 6، ص 269، ح

6184

در کتاب «استیعاب» اثر «ابن عبدالبر» جلد چهارم صفحه 1744 آمده است:

«هو الصديق الأكبر وهو فاروق هذه الأمة يفرق بين الحق والباطل وهو يعسوب المؤمنين»

الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، اسم المؤلف: يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد آلبر، دار النشر: دار

الجيل - بيروت - 1412، الطبعة: الأولى، تحقيق: على محمد البجاوى، ج 4، ص 1744، ح 3157

همچنین کتاب «فيض القدير» اثر «مناوى» هم این عبارت آمده است. پنجاه مصدر از مصادر اهل سنت این

دو صفت را از اوصاف امیرالمؤمنین ذکر کرده‌اند.

در کتاب «الموضوعات» اثر «ابن جوزی» نقل شده است اینکه می گویند پیغمبر اکرم به معراج رفته بود و دید در کنار عرش «ابوبکر الصدیق» و «عمر الفاروق» نوشته شده است، صحیح نیست و حدیث جعلی دروغ است. «ابن حبان» هم در خصوص روایت: «لا إله إلا الله محمد رسول الله أبو بكر الصديق عمر الفاروق عثمان ذو النورین» می نویسد:

«وهذان خبران باطلان موضعان لا شك فيه»

المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، اسم المؤلف: الإمام محمد بن حیان بن أحمد بن أبي حاتم التمیمی البستی، دار النشر: دار الوعی - حلب - 1396 هـ الطبعة: الأولى، تحقیق: محمود إبراهيم زاید، ج 2، ص 116، ح 697

مجری:

احسنتم، چقدر زیبا و شفاف فرمودید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بسیار خلاصه و کپسولی.

مجری:

بسیار عالی، الحمدلله، خیلی ممنونم، بسیار استفاده کردیم. همچنین تشکر می کنیم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند. ان شاءالله سؤال آقای نوروزی را در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

مابقی شما عزیزان که این فرصت دست نداد تا صدای شما را داخل استودیو بشویم، ان شاءالله در جلسات آینده خدمت شما خواهیم بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آقای نوروزی خدمت شما بگویم بزرگان ما از جمله امام خمینی در کتاب «بیع» خود آورده‌اند که امام حسن و امام حسین به هیچ وجه در جنگ ایران شرکت نداشتند. «سلمان» به اذن امیرالمؤمنین در جنگ بود و راهنمایی هم کرد.

مجری:

این هم نقداً تقدیم شما عزیزان. تا جلسه آینده خدانگهدار همه شما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته